

مشکلات ویژه دانشجوی ایرانی در برخورد با ادبیات انگلیسی و چند راه حل

از: دکتر هوشنگ هنرور

دانشجوی ایرانی، پس از گذشت مدت کوتاهی از گرایش او به ادبیات انگلیسی در دانشگاه، خود را در برابر مسائل متعددی می‌بیند که حل آنها بدون همکاری همه‌جانبه برنامه‌ریزان، استادان، مدیران و دانشجویان میسر نیست. ریشه این مشکلات را، که اکثراً ناشی از اختلافات فرهنگی است، در مذهب، ادبیات، تاریخ و آداب و رسوم خود ما باید جستجو کرد. فی‌المثل دانشجوی ما مسلمان است و طبعاً "آشنائی زیادی با کتب مقدس مسیحیان و آئین‌های مذهبی آنان ندارد. بنابراین، با آنکه نمی‌توان به او خرده گرفت، در اینجا با مشکلی عمیق‌روبروست که حل آن تنها بدست خود او باید انجام شود. همانگونه که دانشجوی ادبیات فارسی بدون آشنائی با قرآن کریم و شریعت اسلام راه بجائی نمی‌برد، دانشجوی ادبیات انگلیسی هم بدون آشنائی با تورات و انجیل و حداقل یک آگاهی مختصر از معارف مسیحیت (آنهم بزبان انگلیسی) نمی‌تواند آنچنانکه انتظار می‌رود به طرافت‌های ادبیات انگلیسی دست یافته و از آن لذت ببرد.

مشکل دیگری از همین دست، اختلاف دو ادبیات فارسی و انگلیسی از دیدگاه زیبایی‌شناسی است. درک زیبایی‌های ادبیات فارسی نیاز به آگاهی از ارزش‌ها و معیارهایی دارد که متأسفانه در ادبیات انگلیسی کارآمد نیستند. دانشجوی ایرانی در شعر انگلیسی وزن و بحر و قافیه به آن معنا که در ذهن خود دارد نمی‌یابد. تصورش از نثر خوب هم همان است که در کلاسهای ادبیات فارسی به او آموخته‌اند. همین جا باید اضافه کرد که متأسفانه شیوه‌های نقد با اصطلاح فرنگی را نیز نیاموخته و از منقدین بزرگ جهان، از افلاطون گرفته تا بزرگان عصر حاضر، یا تنها اسمی شنیده است یا آنکه آموخته‌های او از اصول پیشنهادی آنان بسیار سطحی و ناچیز است. نقد جدید را که امروزه ابزار ارزشیابی هر اثر ادبی در دانشگاه‌های مغرب زمین است (و دانشجویان کشورهای انگلیسی زبان کم و بیش در دوره دبیرستان با آن آشنا میشوند) نمی‌داند و در برابر تحلیل آثار پیچیده و پر معنای بزرگان ادب ابتدا مبهوت و سپس مایوس و دل‌سرد می‌گردد.

آنچه که مشکلات دانشجوی ما را عمیق‌تر می‌سازد اینک ادبیات انگلیسی پیوسته

به اسطوره‌های یونان و روم باستان اشاره دارد در حالیکه در ادبیات فارسی کمتر می‌توان از آنها اثری یافت. بنابراین دانشجوی ما با اساطیر و فرهنگ یونان و روم که در حقیقت زیربنای تمام ادبیات اروپاست تقریباً بیگانه است. آنچه را که دیگران به سهولت در می‌یابند او بصورتی ملال آور باید در منابع و ماخذ ناقصی که در اختیار دارد جستجو کند. از این‌ها که بگذریم ادبیات فارسی تمام انواع ادبی انگلیسی را بصورتی ریشه‌دار ندارد. از جمله فورم نمایشنامه رادانشجوی مانمی‌شناسد و دیرتر آن را بصورت یک اثر ادبی می‌پذیرد، قصه کوتاه کمتر خواند و آن را هرگز جدی نگرفته است. طبیعتاً "در کلاس‌هایی که بمنظور آشنائی با این انواع تشکیل میشوند مدتی طول می‌کشد تا معلم بتواند او را به شرکت در بحث و گفتگو بکشانند.

منکر نمی‌توان شد که دانشجوی ایرانی نوعاً "به ادبیات علاقمند است. پیدایش این علاقه ناشی از عواملی است که همه به فرهنگ و تربیت او مربوط می‌شوند؛ طبیعت آهنگین زبان فارسی برای بیان شاعرانه، غنای ادبیات ایران و وجود او شعرا و بزرگان که بصورت‌های مختلف حتی در زندگی روزمره، مردم عادی ما جای دارند. تأکیدی که خوشبختانه در برنامه‌های آموزشی بر آشنائی با بزرگان ادب ایران میشود تنها چند نمونه از این عوامل اند.

تأسف آور خواهد بود اگر ما بعنوان برنامه‌ریز و مدیر و معلم در سطوح مختلف نه تنها این علاقه و اشتیاق را در او تقویت نکنیم بلکه در اثر عدم توجه کافی و کوشش لازم او را مایوس و دلسرد هم بنائیم. آنچه که به ما، در سطح دانشگاه، مربوط میشود اینکه برنامه‌ریزان ما متأسفانه هنگام تدوین برنامه آموزشی گروه‌های زبان و ادبیات انگلیسی بیشتر نظریه برنامه کشورهای انگلیسی زبان دارند و کمتر به مشکلات ویژه دانشجوی ایرانی و نقاط ضعف اومی‌اندیشند. اینان به‌دراستی و تأکید ناچیزی که در سطح دبیرستان بر زبان آموزی دانش‌آموزان گذاشته میشود بی‌اعتنا هستند و غالباً "فراموش می‌کنند که بطور معمول دانشجویی که به گروه زبان و ادبیات انگلیسی راه پیدا می‌کند نه تنها آشنائیش با ادبیات انگلیسی (البته جز از طریق ترجمه) بسیار کم است بلکه آشنائی او با زبان انگلیسی هم در حدی نیست که از کلاس‌های دانشگاه بتواند بصورت مطلوبی استفاده کند. از سوی دیگر استادان مانیز قبل از آنکه دانشجوی پختگی لازم را در نقد و بررسی کسب کند او را در برابر آثار بسیار فشرده و پیچیده ادبیات انگلیسی قرار می‌دهند و می‌کوشند تا سریعاً و با اصطلاح یک شبه او را با ظرافت و زیبایی‌های دشوارترین آثار بزرگان ادب انگلیس و آمریکا آشنا سازند. جالب آنکه این عجله و شتاب گاه موجب گشته است که معلم چنان

مجدوب دقایق و نکات فنی متون انتخابی خود باشد که از تناسب آن‌ها با اصول اخلاقی و موازین فرهنگی ما غافل بماند و ناخودآگاه بصورتی دیگر موجبات یاس و سرخوردگی دانشجو را فراهم آورد .

از جمله مشکلاتی که به مدیران ما مربوط می‌شود اینکه هیچیک از کتابخانه‌های دانشگاه‌های ایران جوابگوی نیاز دانشجوی ادبیات انگلیسی نیست چون کتابهای موجود با توجه به آن نیازها تهیه نشده‌اند . در کتابخانه‌های ما گاه نسخه‌هایی از آثار گمنام‌ترین نویسندگان انگلیسی و آمریکائی را می‌توان یافت درحالیکه مقالات و کتبی که از ضروریات و نیازهای اولیه کار استاد و دانشجوی ادبیات انگلیسی است تدارک نشده است .

مشکل دیگری که به مدیران ما مربوط می‌شود کلاسهای پرجمعیت ماست . احتیاج دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی به شرکت در بحث و گفتگو بمنظور بالا بردن توانایی خود در انتقال مفاهیم دشوار و فنی‌بیش از دانشجویان دیگر گروه‌هاست . انبوه دانشجویان در کلاسهای ادبیات اجازه نمی‌دهد که معلم بتواند جوی متناسب با کار خود ایجاد نماید تا دانشجو نه تنها فرصت کافی بلکه جرات و جسارت لازم را هم برای شرکت در مباحثات ادبی پیدا کند .

این‌ها تنها شماری از مشکلاتی است که هم‌اکنون گروه‌های زبان و ادبیات انگلیسی در ایران با آن روبرو هستند . در مقاله حاضر کوشش شده است که ضمن تشریح یک‌یک آنها و بیان نمونه و شواهد لازم از ادبیات انگلیسی راه‌حلهایی پیشنهاد شود که شاید در رفع آنها بی‌اثر نباشند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی